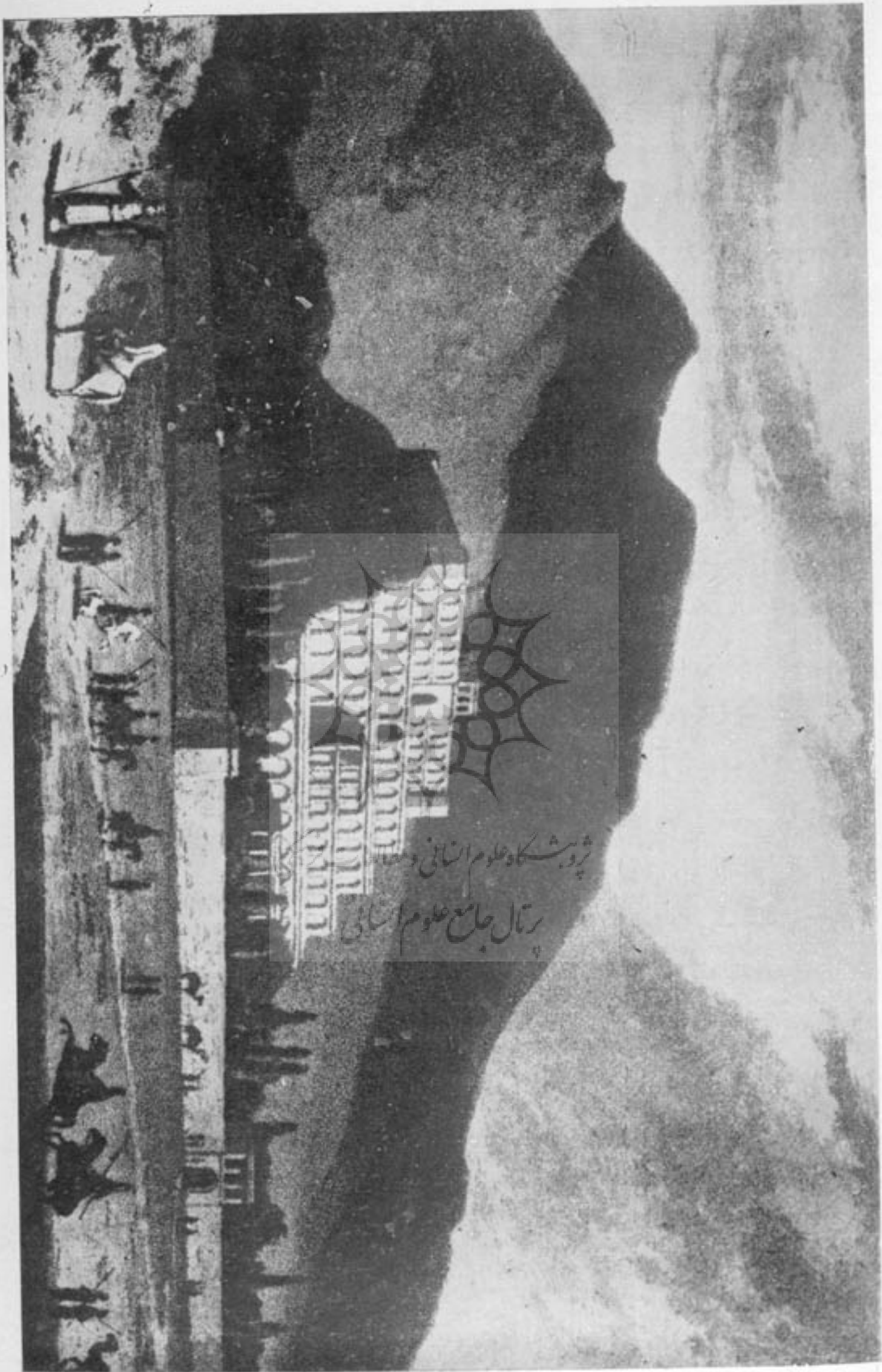


قصرهای صد سال پیش

تهران شهر است که در آن یادگاری بر جای نمانده است: در این پایتخت که هر روز بزرگتر میشود و بارتفاح عماراتش افزوده میگردد و جای بیشتری را اشغال میکنند و زندگی پر جوش و خروشی بر آن حکمفرماست تقریباً چیزی که نشان دهد این شهر در تاریخ پیدایش خود اهمیت و عظمتی در پیش داشته است وجود ندارد.

مع ذلك این تاریخ فقط اندکی از صدوپنجاه سال تجاوز میکند و باید انصاف داد که این عمر کوتاه، خود دراز میان بردن سبک و شیوه هنری تأثیر بسزائی داشته است. ممکن است بگویند: در کشوری که سابقه تاریخیش بهزاران سال میرسد این يك قرن ونیم چه ارزشی میتواند داشته باشد؟ لیکن بنظر ما عمر وزندگانی افراد بشر و شهرها تنها به تصور خارجی زمان بستگی ندارد و تنها آنچه را که موجب ازدیاد و افزایش حافظه میگردد نمیتوان خودسرانه پذیرفت: در اوائل قرن نوزدهم، وقت برای هنرمندانیکه در حقیقت صنعتگران ساده و ناچیزی بیش نبودند و همچنین برای بزرگان عالم از روی صفحه ساعت قرن وسطای عقب افتاده مورد سنجش و قیاس قرار میگرفت و آرزوها و رؤیاهای زیبایی بخش آنان بر روی همان صفحه ساعت بصورتهای مشابهی در میآمد. در اینجاست که با حقیقتی روبرو میشویم که علت و معلول آن هر دو موجب تأسف و رقت است - لیکن بجای آنکه این صفحه از تاریخ را پاره کرده و بدور اندازیم آیا بهتر نیست که در خلال آن بجستجوی عواملی که باعث تجدید حیات شده اند بپردازیم و در عین حال نشانه و علامات تازگی و افزونی را بیابیم؟ تصور آنروزی دنیای خارج و وسایلی که برای بیان آن بکار میرفت با تصور امروزی عالم و همچنین وسیله بیان آن تفاوت فاحش دارد. علاوه بر ظرفیت و گنجایش تفکر و اندیشه در مورد آثار بی اعتبار این دوره، از اینکه این آثار نزدیکی و قرابت فراوانی با ما دارند و باعث پیوستگی و ارتباط ما با سایر آثار کهنه و قدیمی میشوند این اشیاء یکنوع



پرویشگاه علوم انسانی و ...
پر تال جامع علوم انسانی

منظره قصر قاجار (کارچیز موریه وزیر مختار انگلیس در دربار فتحعلیشاه)

زیبائی و جاذبه مغموم و حزن آوری بخود گرفته و حتی قدر و قیمتی پیدا کرده اند. وانگهی باید موقعیتی را که باعث تنزل و تخفیف این دوره میشود مورد نظر قرارداد که در عین حال در مقابل ایام پیشین، ایامی که در طی آن هنر و زندگی در ظلمت دوره‌های تاریک غوطه ور بوده يك نهضت و جنبش غیر قابل تردیدی بوجود آورده است. در خلال سالهای ۱۸۰۰ و ۱۸۲۵ سبك تازه‌ای بوجود آمد و راه تغییر و تحول پیش گرفت و زمانی قوس صعودی را بسوی علم و صنعت شهرسازی (Urbanisme) طی کرد و جلوه گری نمود و سپس بعلمت فقدان عناصر باثبات و پایدار سرعت بتاریکی و ظلمت انحطاط فرو رفت. اگر تاریخ هنر ایران در قرن نوزدهم آنچه را که مربوط به پیشرفت و ترقی زود گذر نیمه اول قرن مذکور است « سبك فتحعلیشاه » بخواند به خطا نرفته است.

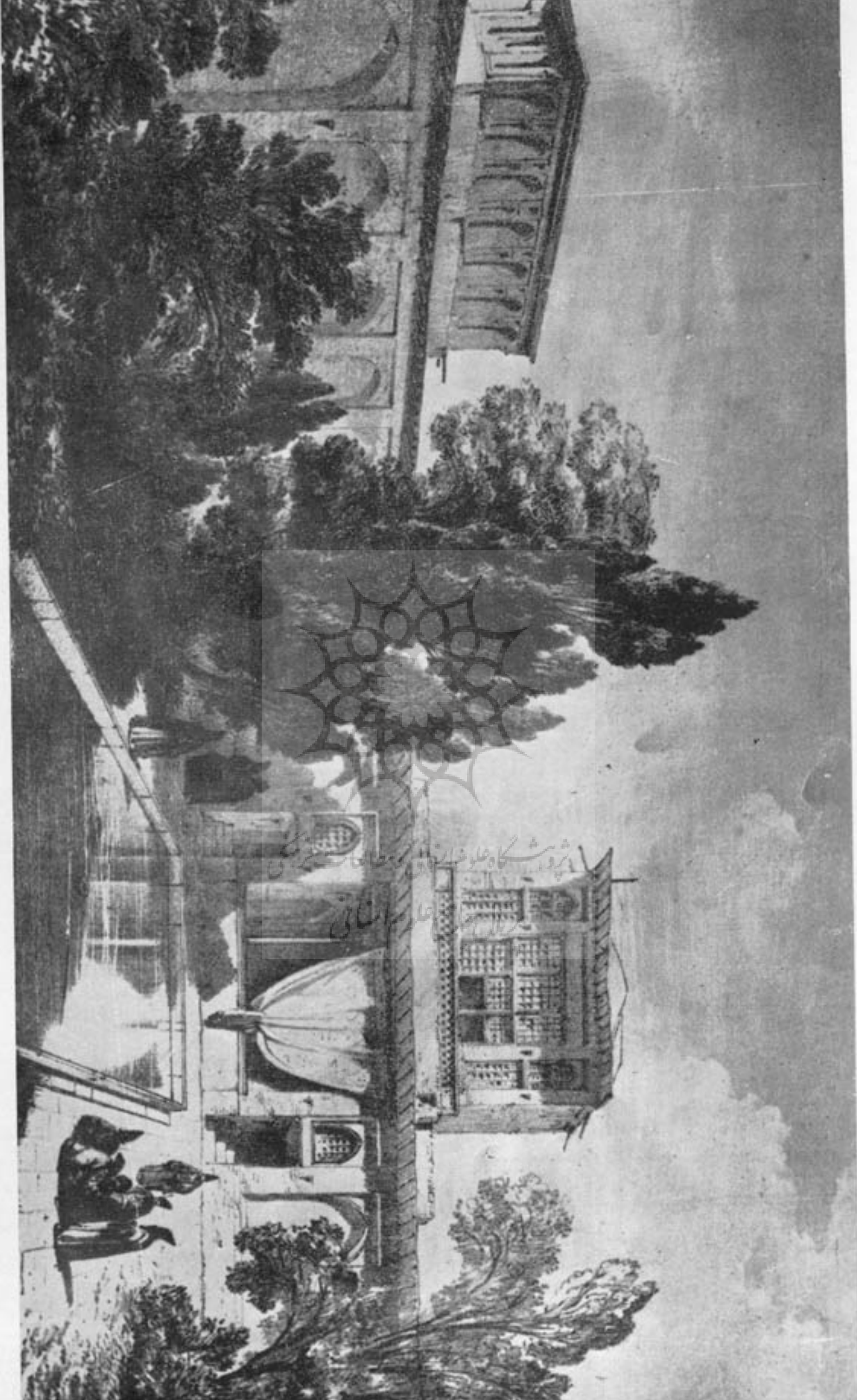
در حالیکه هر روز شخصیت معنوی پایتخت خود را از اینکه با آثار گذشته خود سند بزرگی و عظمت خویش را پاره کرده و بدور انداخته است در فکر و خیال خود مورد سرزنش و ملامت قرار میدهیم به ندای دیگری می‌اندیشیم که این سرزنش و ملامت را رساتر و آشکارتر سازد. آنچه که در همین دوره پدید آمده است بخوبی میتوان نام سبك « تهران قدیم » را بر روی آن گذارد. هر يك از سایر شهرهای بزرگ نیز در حقیقت از این نوع سبك سهمی داشته‌اند لیکن مرکز اصلی که تحت الشعاع این سبك قرار گرفته بود طبیعتاً پایتخت جدید بود. خواه بناهای مذهبی مورد نظر باشد و خواه قصور و خانه‌های مسکونی اعیان و حتی بناهای عام‌المنفعه مثل آب‌انبارها، در هر حال مختصات بی‌قاعده و نامرسوم این سبك برجسته و نمایان است و گاهی نیز موجب تخفیف و تنزل اعتبار آن میگردد اما باید دید در کشورهای اروپا نیز بهمین دلیل آثار سبك قدیمی و غیر متداول (Rococo) را که سبکی است بی‌قاعده و عقب افتاده و در عین حال خرد و ناچیز و افراطی بدور می‌اندازند؟ - این آثار بهر حال به فصلی از تاریخ هنر تعلق دارند.

اگر بناهای مذهبی را که تقریباً اصل رعایت احترام، آنها را محفوظ نگاه داشته است کنار بگذاریم باین نکته پی خواهیم برد که در فن معماری علامت و مشخصات

خاص این سبک پیش از هر چیز در ترتیب و تهیه نقشه‌های صلیبی شکل برای ساختمانهای کم وسعت که همیشه در ایران در مجموعه‌های تشکیل دهنده قصور فراوان بوده تأثیر داشته است، این وضع و ترتیب را در تالارهایی که در ساختمانهای بزرگ وجود دارد نیز میتوان یافت. نکته دیگری که جلب توجه میکند پیشروی و تسلط طاق نیم دایره‌ای شکل است بر روی قوسهای درهم ریخته و این حرکت و نوسان باندازه‌ای تند و سریع است که تناسبها بوسعت و بزرگی میگردانند - زینت بی حد و تندوزنده‌ای که مخصوصاً این شکل بی قاعده و ناهنجار را بسبب مورد بحث میدهد کاملاً به علل و موجبات نهضتی که با آن روبرو هستیم بستگی دارد - يك سلسله خاندان تازه و جوان اصرار میورزید که خود را از طریق شکوه و جلال بقوه تفکر و تخیل هنرمندان تحمیل نماید و بخود بقبولاند که برای ترقی و تعالی و پیشرفت هنر بهمان اندازه کوشش میکرده است که سلسله‌هایی که در این زمینه شهرت یافته اند سعی و مجاهدت نموده اند. اصولاً همیشه در اصل و ریشه سبک‌های بیقاعده قسمتی از احساسات شخصی را که دخالت داشته اند باید جستجو کرد. از طرف دیگر باید تصدیق کرد که استادان آثار ذوقی که بقدر استادان اصفهانی لطافت طبع نداشته اند و همچنین کارگرانی که لیاقت و زبردستی فراوانی در آنها وجود نداشته است و برای ارضای بوالهوسیهای پادشاهان، شتابزدگی بخرج داده و در کار خود سلیقه‌های تازه و نو بکار میبردند و یا سلیقه‌هایی را که بتازگی جزو میراث کهنه و قدیمی شده بود مورد استفاده قرار میدادند گاهی برای از بین بردن مشکلات و گنگمان عدم کفایت و ناچیز بودن مصالح و لوازم به فراوانی زینت و آرایش توسل می‌جستند. این هنر، دوره مورد بحث ما را بخوبی مجسم میکند و همان سئوالی که «گوبینو» از خود میگرد و جوابی را که بخود میداد برای ماییش می‌آورد: آیا اینها زیبا است؟ شاید نه از نظر آنکه زیبایی مطلق دارند بلکه از این نظر که شکفت انگیز و غیر مألوف و بالطف و جاذبه فریبنده‌ای جلوه‌گری می‌کنند.

در این مجموعه‌ها برای هنر نقاشی نیز مقام خاصی باید قائل شویم که خود موجب ترقی و پیشرفت واقعی و بی سابقه‌ای در مورد بکار بردن سبکهای مختلف شده

باغ اندرون قصر قاجار (کار فلائین نقاش فرانسوی)



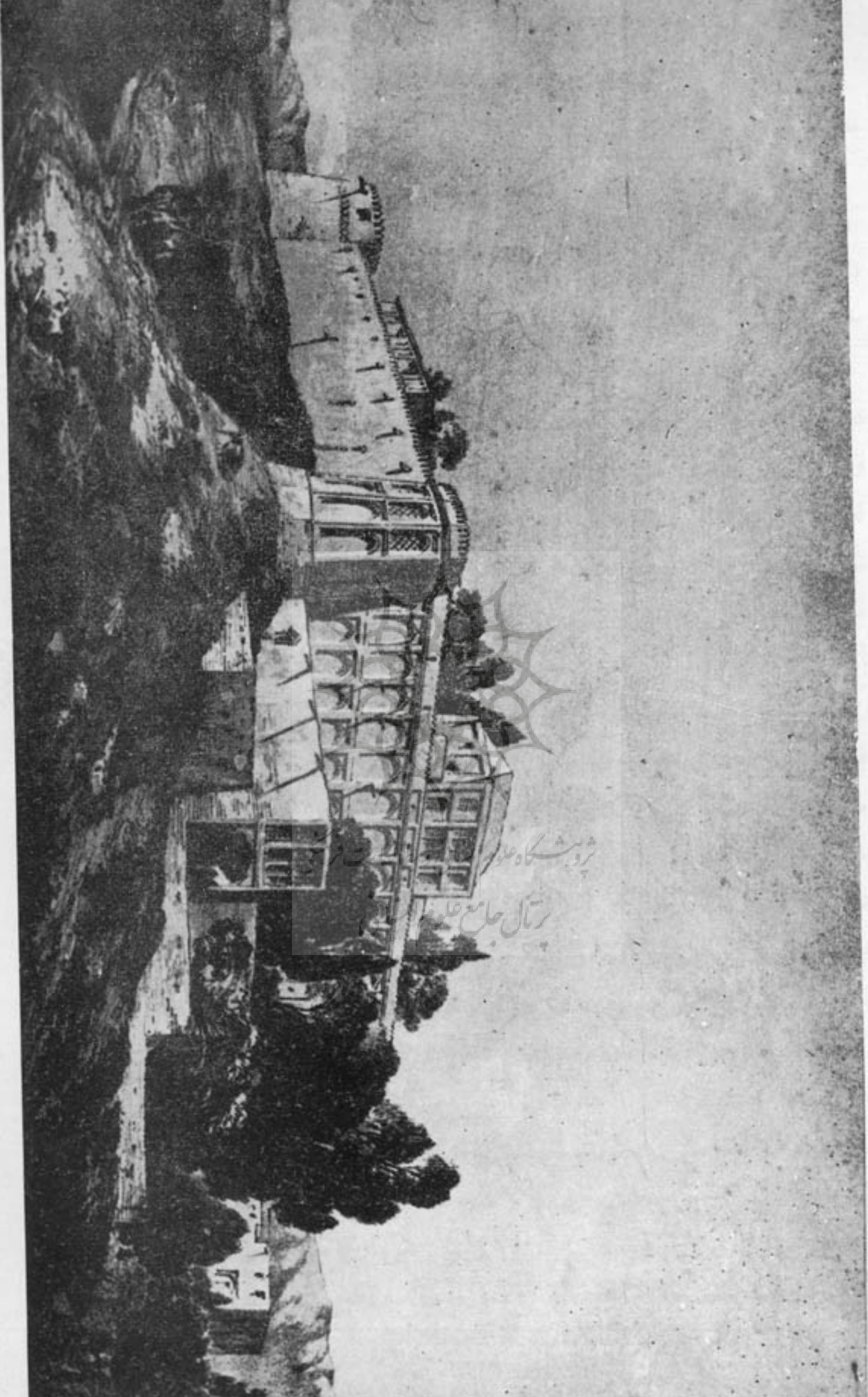
شیراز
شاه جهان
موزه
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

و در موارد دیگر نیز باعث امیدواری گردیده است، و همچنین باید تصدیق کرد که در مقابل تعداد فراوانی از نکات که مورد انتقاد قرار گرفته اند این دوره هنوز امتیاز نقاشی خطوط صاف و کوتاه و مناظر زیبا و دل‌انگیز و مجموعه های خوش‌تر کیب را حفظ کرده است.

خود ما در طی این بیست سال اخیر بارها از روزنه دیوار مخروبه‌ای که بعلت عدم مراقبت رو بویرانی و انهدام نهاده باین عمارات کوچک زیبا بر خورده‌ایم که نقشه صلیبی شکل، عصر و زمان آنها را مشخص ساخته است. طارمی‌های ظریف در گاه‌ها با ارسیهای کوچک بآنها يك حالت تصنعی میدهد و با اینکه ایوان قشنگی که ستونهایش هنوز حاشیه زیبای مرمری سنگ آن را حفظ کرده اند يك دوره جدیدتر و يك اسلوب زیبای دیگری را بمانشان میدهد؛ و چه بسا در خم کوچه ای در میان ساختمانهای آجری آن بالاخانه‌ای مشاهده کرده‌ایم که معلوم نیست چگونه تعادل خود را بر روی دیوارهای سست حفظ می‌کرده و راست و مستقیم فشار پنجره‌های منحنی شکل و سه دری را که ستونهای مینیاتوری زیبای عمارت را در بر گرفته بود تحمل می‌نموده است. امروز مدت زیادی باید در طول کوچه و پس کوچه های محلات قدیمی شهر که هر نوع مشخصات قدیمی از آنجا رخت بر بسته است سرگردان باشیم تا در فضای خفه و تاریک حیاط خانه‌ای که در زمان قدیم توسعه داشته و حالیه بواسطه تقسیم بندی‌ها از وسعتش کاسته شده است، يك سردر با يك ایوان و یا يك سقفی که قابل مرمت باشد بیابیم.

بنابر این ما بدنبال جهانگردان قدیمی که با شرح و بیان خود ما را در قصور از بین رفته و باغاتشان گردش میدهند در جستجوی نمونه های معماری و ساختمانی دوره فتحعلیشاه خواهیم رفت که از نظر اهمیت در درجات عالی قرار گرفته اند ولی متأسفانه نه در میان آناری که هنوز مشاهده میشوند بلکه در میان آنهایی که فقط در خاطره ما باقی مانده اند. قصر قاجار که ایستگاه اتوبوسی در جاده قدیم تهران نامش را در خاطره ما زنده میکند بی‌چون و چرا در درجه اول اهمیت قرار دارد. مع الوصف در حال حاضر در این محل فقط يك شهر نظامی مشاهده می‌گردد که در حال توسعه است. تپه کوچکی که

تا چند سال قبل خرابه های بدشکل و بی قواره اش «ورسای ایران» را بیاد میآورد
 امروز بکلی برهنه و عریان است. این تل خاکی کم ارتفاع در شمال شرقی، تقریباً در سه فرسنگی
 دیوار شمالی شهر که کمی بالاتر از میدان سپه کنونی میگذشت قرار داشت. در خلال
 این فاصله این بیابان در میان توده های شن وسعت می یافت و چند آبادی در کنار آن
 نیز قرار میگرفت و هر قدر که بطرف مشرق پیش میرفت قطعات زمین را در بریدگی
 هلالی شکل وسیع بین کوه های شمال و کوه های جنوب شرقی که بصورت روزنه ای
 طبیعی بسوی شرق دور درآمده بود در پشت سر میگذاشت. این تلها در شکل
 جیمس موریه سیاستمدار و نویسنده انگلیسی بدون شك اولین خارجی بود که
 این قصر نوساز را مورد بازدید قرار داد و از خود نوشته ها و طرح و نقشه های دلپذیر
 بیادگار گذارد که از روی نوشته دیگران میتوان آنها را مورد تحقیق و مطالعه قرار
 داد. در عصر وی هنوز صنعت عکاسی وجود نداشت و این خود موجب شد که این طرحها
 گاهی با اندکی نقص و عیب ترسیم شود ولی در عین حال قوه تخیل نقاش این طرح
 را برجسته و روشن نشان داده و نیروی تجسم فراوانی بآن بخشیده است.
 لیکن اوراق زرد رنگ چاپ اصلی «مسافرت بایران و غیره»
 (۱۸۱۰-۱۸۰۹) با اندکی شك و تردید مورد توجه ما قرار میگیرد.
 مثل اینکه منظره طبیعی اطراف قصر را کاملاً تحت تأثیر قرار داده
 است - تماشا و ابهت کوه های طبیعی بقدری در او مؤثر واقع شده که اصرار دارد آن
 ابهت را بما نیز بنمایاند و در طرح خود این کوهها را نسبت بقصر نزدیکتر از آنچه
 که باید باشد نشان داده است.
 در این طرح طوری نشان داده شده که چهار طرف دیوار در حد فاصل تپه و
 قصر برپا شده اند و خود آنها نیز در حقیقت جزئی از تپه بشمار میروند و در گاههای
 قوسی شکل که در قسمت تحتانی مسطح و هموار میباشند در اطراف دیوارها بنا شده
 اند: ساختمان هر چه بطرف بالا میرود اندکی محدودتر و باریکتر میشود و این محدودیت
 و باریکی در کلاه فرنگی کوچک و ساده ای که از داخل دیوارها سر با آسمان کشیده



شهر شکارگاه سلطنتی

پرتال جامع علوم

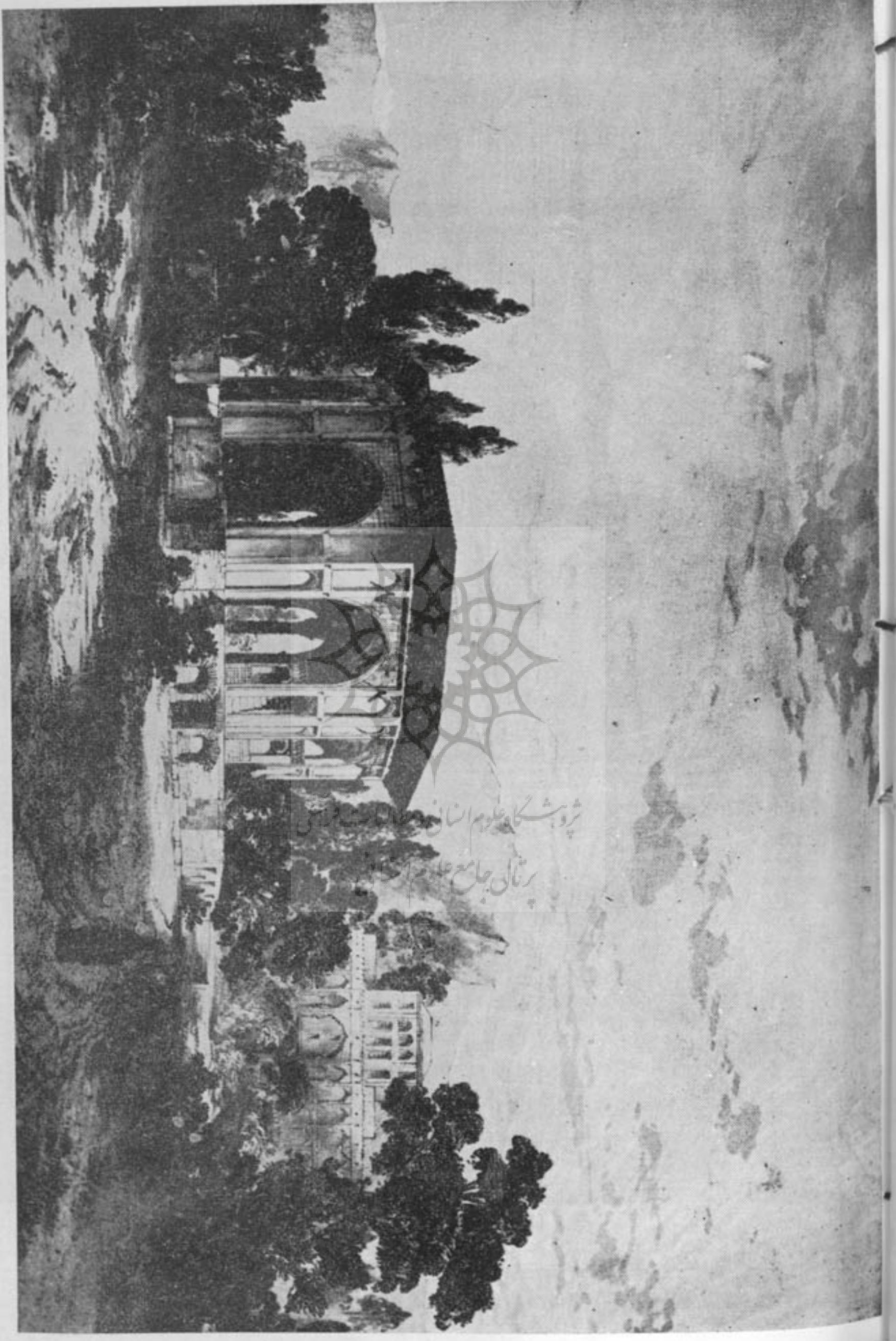
بدرستی محسوس و آشکار است.

در اطراف پایه این بنا، که بطور محسوسی عریضتر و وسیع تر مینماید طاق نماهای کج و معوجی بهمان شکل قرارداد - در خود طرح پایه بنا را بزحمت میتوان در میان فاصله سر درختان و محوطه باغ مشاهده کرد - يك ضلع از عمارت که بجلو خم شده است یکنواختی این جبهه يك شکل و يك قواره را از میان میبرد.

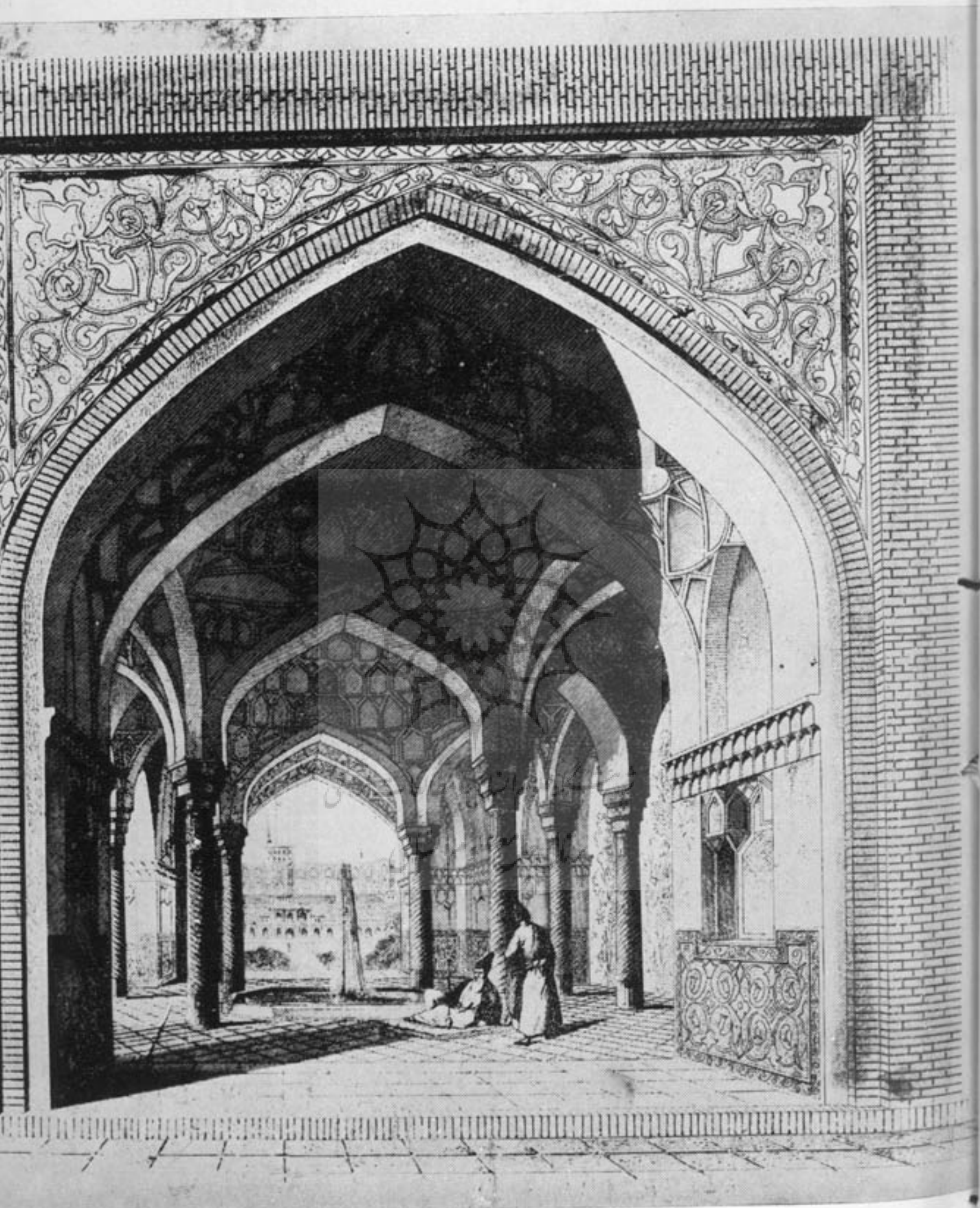
این نکته نیز مورد کمال اهمیت است که تغییرات و تحولاتی را که در طی زمان در این قصر روی داده مورد مطالعه قرار دهیم، این تغییرات اغلب در اثر انهدام و ریزشهایی بوجود آمده که گاهی نیز موجبات مرمت و تجدید بنا را فراهم آورده است، و نیز جای آن دارد که سردری را که پنج طبقه از طاق نماهایش بر روی تپه خاک تکیه داده اند مورد توجه و دقت قرار دهیم - تنها دو طبقه از این طبقات پنجگانه از سطح قله تجاوز مینمایند و تخت قاجار بصورت نیمرخ قلعه مستحکمی بر روی اضلاع این بنا خودنمایی میکند.

سپس موریه ما را بداخل قصر می کشاند، وی برای در ورودی این قصر ارزش فراوانی قائل نیست. این دراز زیر ایوان تابستانی که مشرف بیابان بوده و در پای تپه بشکل آمفی تئاتر وسعت یافته است قرارداد. درختان تبریزی و سرو که در حاشیه خیابان وسط صف کشیده اند در سال ۱۸۱۰ هجری جوان بوده و از عمرشان چیزی نگذشته است - يك نهر سنگی در زاویه راست، این خیابان را قطع میکند. آب صاف و زلالی که در این نهر جاری است یکی از مزایا و موجبات زیبایی این مکان شده است لیکن هنگامی همه قصر بخوبی آشکار و نمایان میشد که از ایوانهای پی در پی و پشت سر همی که قسمت خارجی دیوارشان از صدف (گوش ماهی) پوشیده شده بود بالا میرفتند. در حقیقت تعداد فراوانی از باغ و حیاط که روی هم قرار گرفته و از کلاه فرنگی ها زینت یافته و با از عمارات محصور شده بودند این قسمت را تشکیل میداد. شاید بتوان حدس زد پله کانهائی که این طبقات را بهم مربوط میساخت نتراشیده و ناهموار بودند و در حقیقت میتوان این راه پیچ در پیچ سر بالا را با برخی از کاخها و آرامگاههای مجلل و باشکوه هندوستان دوره امپراطوران مغول (سلاطین گورکانی هند) مورد سنجش

و قیاس قرارداد که یاد آنها بطوریکه میدانیم از زمان نادرشاه باینطرف در خاطرها
باقی مانده است .
نایب قصرهای دیگری نیز دارای مناظر مشابه و چنین وضع و موقعیت صعودی بوده اند
و این سبک در دوره فتحعلی شاه مرسوم شد و بعد از سلطنت وی نیز ادامه یافت لیکن
هیچیک از قصور تا کنون با قصر قاجار برابری نکرده اند .
اتکاء قسمت عقب قصر بتپه تسهیلاتی را برای ساختمان زیرزمینهای پائین تر از
سطح باغ فراهم میکرد . سپس از ایوان اول بالا میرفتند . این ایوان چیز فوق العاده ای
را در معرض انظار قرار نمیداد . پس از آن ایوان دوم میرسیدند در این ایوان در وسط
یک باغ کلاه فرنگی هشت گوشه برپا شده بود و گنبد صاف و مسطحی بر روی آن
قرار داشت و روی ستونهای این عمارت را طاق نماهای شبکه مانند تزیین میکرد .
این کلاه فرنگی بنای کوچک شگفت انگیزی بود که در کمال مهارت و هنرمندی
ساخته شده بود . هنری که در ساختمان این بنا بکار رفته این بود که به هنگام گرمای
ملائمترین نسیم در آنجا به هوای خنک تبدیل میافتد رشته های چند از جویبار ،
آبی خنک و گوارا را از چشمه به میان ایوان میآورد و این خود زیبایی آنرا تکمیل
می نمود . در طبقه بعد ، در مقابل ضلع عمارت اصلی ، استخری وجود داشت و در آخرین
عمارت که ظاهراً بیانون حرم اختصاص داشته است دقت و توجه خاص و همچنین زینت
و آرایش فراوانی بکار رفته بود .
موریه زیبایی درهای کهنیت کاری و همچنین درهائی را که از چوب صاف و
شفاف ساخته شده بود مورد تحسین و تمجید قرار میدهد . این درها طبق رسوم و آداب
قدیم قاعده کوچک و متعدد بودند و با کثرت تعدادشان به پیچ در پیچ بودن ساختمان
میافزودند . نقوش برجسته مرمری شکل مزین بآینه ، آینه های منقوش ، نقاشی های
دیواری موجب افزونی زیبایی و قشنگی این محل میشدند . در این قصر یک مجموعه واقعی
از تابلوهای نقاشی دیده میشد : در بین تصاویر پادشاهان و اولادشان و همچنین تصاویر
خیالی قهرمانان قدیم تابلوئی از Stratchey وجود داشت که یک منشی جوان انگلیسی
را نشان میداد که در سال ۱۸۰۱-۱۸۰۰ وابسته به هیئت جان ملکم بود و زیبایی خیره



شروېشکاه علوم انسانې و طبيعيات د پوهنتون
پرتالي جامع علوم او معارف



حوضخانه باغ قصر قاجار (کارپاسکال کاست نقاش فرانسوی)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

کننده او بعد از آن که شاعران شیراز را بسر ذوق آورده بود دربار تهران را نیز مسحور خود ساخته بود. در خلال این مدت خیلی سعی شده است که در میان تابلوها تصاویری از زنان نیز بدست آورده شود لیکن عادات و رسوم آن دوره امکان این مسئله را دشوار ساخته بود.

این طراح اطراف نزدیک قصر را با عبور و مرور اسب سوارانی که با بالاپوشهای بازو گل و گشاد و کلاه‌های بلندشان خود نمائی میکردند در طرح خود بطور دقیق مجسم ساخته است.

اما در باره زندگی داخلی دربار که محیط آن اندرون قصر بود باید طبق تذکره عضدی بنمایشاتی که فقط بیادشاه اختصاص داشت و در فصل مناسب بوسیله دسته نوازندگان و خوانندگان اجرا میشد مراجعه کنیم، این هنرمندان درباری که در کمال مراقبت و کوشش زیر دست استادان ماهر آن دوره پرورش یافته بودند در باغ نمایش سوار کاری میدادند و تارمی نواختند و غزلهای عاشقانه می‌سرودند.

موریه که جزئیات را بخوبی مورد مطالعه قرار میدهد پیش بینی می‌کند که خرابی جنس مصالح ساختمانی و همچنین اتکاء قسمت عقب قصر بپیه باعث ضرر و خسارت این مجموعه هنری می‌شده که با این همه مهارت و هنرمندی بوجود آمده است. هنگامی که موریه بتماشای قصر رفته بود در همان موقع هم نفوذ آب اثراتی بر روی دیوارها باقی گذارده بود و سی سال بعد که اوژن فلاندن (طراح) وابسته به هیئت کنت دوسرسی در دربار محمدشاه (در حدود ۱۸۴۰) به نوبه خود قصر را مورد بازدید قرار داد این وضع خراب افزونی یافته بود و مشارالیه این خرابی را با قلم دقیق و موشکاف خود نشان داده است.

این طرح جزء آلبومی است که فلاندن هنگام فراغت از وظایف رسمی خویش برای سرگرمی ولذت شخصی خود ترتیب داده و عنوان «ایران جدید» بر روی آن گذارده است و دلائل بسیار در دست است که چرا چنین عنوانی برای ما خاطرات تلخ و غم انگیزی در بردارد.

فلاندن در خاطرات خود نقشه با عظمت قصر و باغ را مورد تحسین و تمجید

قرار میدهد و داخل قصر را بهمان نحو که موریه تعریف کرده است توصیف میکند
 و ضمناً خاطر نشان میسازد که در زمان مأموریت سرسی این جایگاه و مسکن زیبا
 بکلی متروک افتاده بود. اینک میتوان طرح فلاندن را با طرح اولین سیاح مقایسه کرد. در این طرح
 جز دو طبقه دیوار طاق دار که از سطح قله تپه خاکی بالا آمده اند چیز دیگری نمی بینیم.
 از طرف دیگر در زاویه بنا، برجهایی ساخته شده اند که با نیم طاقی هائی که در قسمت
 تحتانی صاف و هموار ندیدند ساخته شده اند. خیلی احتمال دارد که بعضی از
 قسمتها از پای در آمده و منهدم شده باشند و در نیمه دوم دوره سلطنت فتحعلی شاه
 خواسته اند که باستحکام طبقات بالا بیفزایند. ولی آن اسناد و مدارک تاریخی را که
 بتوانند این نکات را برای ما روشن کنند در کجا میتوان یافت؟
 فلاندن در اجرای تعداد بیشماری از طرحها که قوه وهم و تصور دقیق او توانسته
 است بسازد دقت و دلسوزی فراوانی بکار برده است، البته بدون آنکه از نکته های
 اساسی چیزی را فراموش کرده باشد و یا چیزی بدان افزوده باشد؛ بهمین دلیل در
 صحت عمل وی شك و تردیدی روانیست.
 مع الوصف يك عكس از قصر قاجار در دست است که در حقیقت معرف کتاب
 « سه سال در دربار ایران » فوریه Fevrier بشمار میرود و این عکس در قله تپه جز
 يك طبقه از طاق نماها چیز دیگری بمانشان نمیدهد. این بود منظره ای که خرابه های
 رقت آور قصر تا ۱۵ سال پیش هم بمانشان میداد تا اینکه بیل و کلنگ ویران کنندگان
 تپه را که دیگر جز نام (قصر) چیزی از آن بر جای نمانده است با خاک هموار ساخت.

(بقیه دارد)